



تأثیر مبانی شیخ مجتبی قزوینی و علامه طباطبائی در مباحث معاد

مرتضی اولیانسب

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹.....	پیشگفتار.....
۱۱.....	بیان مسأله.....
۱۲.....	پیشینه کتاب.....
۱۳.....	کتاب‌ها.....
۱۵.....	مقالات.....
۱۶.....	پایان نامه‌ها.....
۱۷.....	مفاهیم.....
۱۷.....	پیش فرض.....
۱۹.....	معرفت‌شناسانه.....
۲۰.....	جهان‌شناسانه.....
۲۱.....	انسان‌شناسانه.....
۲۳.....	معاد.....
۲۳.....	معاد در لغت.....
۲۳.....	معاد در اصطلاح.....
۲۴.....	ثواب و عقاب.....
۲۴.....	ثواب و عقاب در لغت.....
۲۴.....	ثواب و عقاب در اصطلاح.....
۲۵.....	خلود.....
۲۵.....	خلود در لغت.....
۲۶.....	خلود در اصطلاح.....
۲۷.....	شخصیت‌شناسی.....
۲۷.....	معرفی اجمالی شیخ مجتبی قزوینی.....
۳۰.....	معرفی اجمالی علامه طباطبایی.....

فصل اول: پیش فرض‌های معرفت‌شناسانه، جهان‌شناسانه و انسان‌شناسانه معادشناسی از دیدگاه

شیخ مجتبی قزوینی و علامه طباطبایی..... ۴۱

گفتار اول: پیش فرض‌های معرفت‌شناسانه معادشناسی از دیدگاه شیخ مجتبی قزوینی و علامه طباطبایی،

و اشتراک و امتیاز دیدگاه آنها..... ۴۴

۴۵.....	دیدگاه شیخ مجتبی قزوینی.....
۴۵.....	مفهوم عقل.....
۴۸.....	حجیت و قلمرو عقل و نقل در مباحث معادشناسی.....
۵۵.....	دیدگاه علامه طباطبایی.....
۵۵.....	موضوع معرفت‌شناسی.....
۵۵.....	تعریف علم.....
۵۶.....	اقسام علم.....
۵۷.....	ابزار و راه‌های کسب معرفت دینی از دیدگاه علامه طباطبایی.....
۵۹.....	حجیت روش عرفان در مباحث معادشناسی.....
۵۹.....	حجیت عقل در مباحث معادشناسی.....
۵۹.....	مراد از عقل.....
۶۱.....	عقل به مثابه منبع یا ابزار در مسأله حقیقت معاد.....
۶۸.....	عقل به مثابه منبع یا ابزار در مسأله حقیقت ثواب و عقاب.....
۷۳.....	عقل به مثابه منبع یا ابزار در مسأله خلود.....
۷۶.....	اشتراک و امتیاز دیدگاه شیخ مجتبی و علامه در پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسانه معادشناسی.....
۸۳.....	گفتار دوم: پیش‌فرض‌های جهان‌شناسانه معادشناسی از دیدگاه شیخ مجتبی قزوینی و علامه طباطبایی، و اشتراک و امتیاز دیدگاه آنها.....
۸۳.....	دیدگاه شیخ مجتبی قزوینی.....
۸۳.....	حدوث عالم و کیفیت خلقت آن.....
۸۵.....	امکان فنای عالم دنیا و خلقت عالم آخرت.....
۸۵.....	دیدگاه علامه طباطبایی.....
۸۶.....	مراتب و عوالم هستی.....
۸۸.....	غایت‌مندی اشیاء.....
۹۰.....	حرکت جوهری.....
۹۲.....	عینیت وحدت و تشخیص با نحوه وجودی اشیاء.....
۹۳.....	م تفاوت بودن ماده با جسم.....
۹۵.....	دائمی نبودن قسر.....
۹۶.....	تمایز حقایق از اعتباریات.....
۹۷.....	اشتراک و امتیاز دیدگاه شیخ مجتبی و علامه در پیش‌فرض‌های جهان‌شناسانه معادشناسی.....
	گفتار سوم: پیش‌فرض‌های انسان‌شناسانه معادشناسی از دیدگاه شیخ مجتبی قزوینی و علامه طباطبایی،

- و اشتراک و امتیاز دیدگاه آنها..... ۱۰۲
- دیدگاه شیخ مجتبی قزوینی..... ۱۰۲
- خلقت انسان و عوالم آن..... ۱۰۲
- خلقت حضرت آدم علی نبینا و آله وعلیه السلام..... ۱۰۴
- بطلان تناسخ..... ۱۰۵
- دیدگاه علامه طباطبایی..... ۱۰۶
- ساحت‌های وجودی انسان..... ۱۰۶
- اتحاد نفس با صفات..... ۱۱۳
- اشتراک و امتیاز دیدگاه شیخ مجتبی و علامه در پیش‌فرض‌های انسان‌شناسانه معادشناسی..... ۱۱۴

فصل دوم: تأثیر پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسانه، جهان‌شناسانه و انسان‌شناسانه معادشناسی در

تبیین حقیقت معاد از دیدگاه شیخ مجتبی قزوینی و علامه طباطبایی..... ۱۱۹

گفتار اول: تأثیر پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسانه، جهان‌شناسانه و انسان‌شناسانه معادشناسی در تبیین

- حقیقت معاد از دیدگاه شیخ مجتبی و علامه طباطبایی..... ۱۲۲
- تأثیر پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسانه در تبیین حقیقت معاد..... ۱۲۲
- جسمانیت و روحانیت معاد..... ۱۲۳
- شبهات و اشکالات پیرامون معاد..... ۱۲۷
- تأثیر پیش‌فرض‌های جهان‌شناسانه در تبیین حقیقت معاد..... ۱۲۸
- تأثیر حدوث عالم و کیفیت خلقت..... ۱۲۹
- امکان فناء عالم دنیا و خلقت عالم آخرت..... ۱۳۱
- تأثیر پیش‌فرض‌های انسان‌شناسانه در تبیین حقیقت معاد..... ۱۳۴
- خلقت انسان و عوالم آن..... ۱۳۴
- حشر روح و بدن..... ۱۳۴
- عینیت بدن مُبتدأ و مُعاد..... ۱۳۵
- پاسخ شبهات معاد..... ۱۳۷
- بطلان تناسخ..... ۱۳۸
- گفتار دوم. تأثیر پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسانه، جهان‌شناسانه و انسان‌شناسانه معادشناسی در تبیین
- حقیقت معاد از دیدگاه علامه طباطبایی..... ۱۴۰
- تأثیر پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسانه در تبیین حقیقت معاد..... ۱۴۰
- حقیقت معاد..... ۱۴۰

۱۴۱.....	معاد، رجوع بدن به نفس.....
۱۴۴.....	امکان حشر بدن.....
۱۴۴.....	ضروت حشر بدن.....
۱۴۸.....	امکان حشر (روح) نفس.....
۱۵۰.....	ضرورت حشر نفس.....
۱۵۱.....	مثلیت و عینیت مبتدأ و مُعاد.....
۱۵۲.....	تأثیر پیش‌فرض‌های جهان‌شناسانه در تبیین حقیقت معاد.....
۱۵۳.....	مراتب و عوالم هستی.....
۱۵۳.....	تحول جوهری آسمان‌ها و زمین.....
۱۵۶.....	نسبت دنیا و آخرت.....
۱۵۷.....	دگرگونی در فرایند افعال انسان.....
۱۵۹.....	غایت مندی اشیاء.....
۱۶۱.....	حرکت جوهری.....
۱۶۲.....	حرکت جوهری نفس.....
۱۶۳.....	حرکت جوهری بدن.....
۱۶۴.....	عینیت وحدت و تشخص با نحوه وجودی اشیاء.....
۱۷۰.....	م تفاوت بودن ماده با جسم.....
۱۷۱.....	تأثیر پیش‌فرض‌های انسان‌شناسانه در تبیین حقیقت معاد.....
۱۷۱.....	ساحت‌های وجودی انسان.....
۱۷۱.....	معاد جسمانی و روحانی.....
۱۷۳.....	عینیت و مثلیت بدن مبتدأ و معاد.....
	گفتار سوم: اشتراک و امتیاز دیدگاه شیخ مجتبی قزوینی و علامه طباطبایی در تأثیر پیش‌فرض‌های
۱۸۰.....	معرفت‌شناسانه، جهان‌شناسانه و انسان‌شناسانه معادشناسی در تبیین حقیقت معاد.....
۱۸۰.....	اشتراک و امتیاز دیدگاه شیخ مجتبی و علامه در تأثیر پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسانه.....
۱۸۲.....	اشتراک و امتیاز دیدگاه شیخ مجتبی و علامه در تأثیر پیش‌فرض‌های جهان‌شناسانه.....
۱۸۵.....	اشتراک و امتیاز دیدگاه شیخ مجتبی و علامه در تأثیر پیش‌فرض‌های انسان‌شناسانه.....

فصل سوم: تأثیر پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسانه، جهان‌شناسانه و انسان‌شناسانه معادشناسی در

تبیین حقیقت ثواب و عقاب از دیدگاه شیخ مجتبی و علامه طباطبایی..... ۱۸۹

گفتار اول: تأثیر پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسانه، جهان‌شناسانه و انسان‌شناسانه معادشناسی در تبیین

۱۹۴	حقیقت ثواب و عقاب از دیدگاه شیخ مجتبی قزوینی
۱۹۴	تأثیر پیش فرض‌های معرفت‌شناسانه در تبیین حقیقت ثواب و عقاب
۱۹۵	خوانش شیخ مجتبی از دیدگاه ملاصدرا راجع به ماهیات صور مقداریه جهان آخرت
۱۹۵	نقد شیخ مجتبی به دیدگاه ملاصدرا
۱۹۸	تأثیر پیش فرض‌های جهان‌شناسانه در تبیین حقیقت ثواب و عقاب
۱۹۹	اصل حدوث عالم و کیفیت خلقت
۲۰۰	تأثیر پیش فرض‌های انسان‌شناسانه در تبیین حقیقت ثواب و عقاب
	گفتار دوم: تأثیر پیش فرض‌های معرفت‌شناسانه، جهان‌شناسانه و انسان‌شناسانه معادشناسی در تبیین
۲۰۲	حقیقت ثواب و عقاب از دیدگاه علامه طباطبایی
۲۰۲	تأثیر پیش فرض‌های معرفت‌شناسانه در تبیین حقیقت ثواب و عقاب
۲۰۳	ملکوتی بودن حقیقت ثواب و عقاب
۲۰۶	حقیقی بودن آیات ناظر به مسلک تجسم عمل و مجازات
۲۰۹	تأثیر پیش فرض‌های جهان‌شناسانه در تبیین حقیقت ثواب و عقاب
۲۱۰	حرکت جوهری
۲۱۱	تمایز حقایق از اعتباریات
۲۱۳	تأثیر پیش فرض‌های انسان‌شناسانه در تبیین حقیقت ثواب و عقاب
۲۱۴	ساحت‌های وجودی انسان
۲۱۴	اتحاد نفس با صفات
	گفتار سوم: اشتراک و امتیاز دیدگاه شیخ مجتبی قزوینی و علامه طباطبایی در تأثیر پیش فرض‌های
۲۱۷	معرفت‌شناسانه، جهان‌شناسانه و انسان‌شناسانه معادشناسی در تبیین حقیقت ثواب و عقاب

فصل چهارم: تأثیر پیش فرض‌های معرفت‌شناسانه، جهان‌شناسانه و انسان‌شناسانه معادشناسی

۲۲۱	در تبیین خلود از دیدگاه شیخ مجتبی و علامه طباطبایی
	گفتار اول: تأثیر پیش فرض‌های معرفت‌شناسانه، جهان‌شناسانه و انسان‌شناسانه معادشناسی در تبیین
۲۲۳	خلود از دیدگاه شیخ مجتبی
	گفتار دوم: تأثیر پیش فرض‌های معرفت‌شناسانه، جهان‌شناسانه و انسان‌شناسانه معادشناسی در تبیین
۲۲۶	خلود از دیدگاه علامه
۲۲۶	تأثیر پیش فرض‌های معرفت‌شناسانه در تبیین خلود
۲۲۹	تأثیر پیش فرض‌های جهان‌شناسانه در تبیین خلود
۲۲۹	مراتب و عوالم هستی

۲۳۰	حرکت جوهری
۲۳۱	دائمی نبودن قسر
۲۳۳	تمایز حقایق از اعتباریات
۲۳۴	تأثیر پیش فرض‌های انسان‌شناسانه در تبیین خلود
۲۳۴	ساحت‌های وجود انسان
۲۳۵	اتحاد نفس با صفات
	گفتار سوم: اشتراک و امتیاز دیدگاه شیخ مجتبی قزوینی و علامه طباطبایی در تأثیر پیش فرض‌های
۲۳۸	معرفت‌شناسانه، جهان‌شناسانه و انسان‌شناسانه در تبیین خلود
۲۳۹	خلاصه
۲۴۵	منابع
۲۴۵	منابع فارسی
۲۴۷	منابع عربی
۲۵۱	مقالات
۲۵۳	پیوست

پیشگفتار

معاد و حیات پس از مرگ یکی از ضروریات دین اسلام و مورد اتفاق همه مسلمانان است. آیات راجع به این اصل حدود یک سوم قرآن کریم را تشکیل می‌دهد. تاریخ اندیشه اسلامی شاهد تلاش‌های متفکران و اندیشمندان مسلمان - اعم از متکلمین و فلاسف و مفسرین - در جهت تبیین حقیقت معاد و زوایای گوناگون آن می‌باشد. پیدایش مجدد جسم و تعلق روح انسانی به آن در عالم آخرت و به عبارت دیگر معاد جسمانی و روحانی، تبیین معیار عینیت یا مثلثیت ابدان محشور در آخرت با ابدان موجود در دنیا، همچنین بحث ثواب و عقاب و تبیین رابطه میان اعمال و جزای اخروی و به تبع آن خلود در جهنم یا بهشت و بیان مصادیق خلود در آن، از جمله مسائل مطرح شده پیرامون این اصل اعتقادی است که هر یک از محققین در اثبات و تبیین آنها، همچنین پاسخ به شبهات پدید آمده در این زمینه مسیر متفاوتی را پیموده‌اند. عکس‌العمل طبیعی این تبیین‌های مختلف، خوانش متفاوت و بعضاً متضاد آنها از آموزه‌های قرآن در مسائل فوق، و به تبع آن تقسیم‌بندی آنها به مکاتب و نحله‌های مختلف شده است. تاریخ تفکر اسلامی چه محنت‌ها و نتایج تأسف‌آوری را در این راستا شاهد نبوده است؛ مکتبی تنها اندیشه و مرام خود را پسندیده و سایر مکاتب فکری را از حوزه اسلام خارج دانسته و همه اینها صد البته زمینه عقب ماندگی مسلمانان و مانع رسیدن شان به اوج عزت بوده است.

شکی نیست که این اختلاف دیدگاه‌ها به خاطر یک سری از مبانی و پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسانه، جهان‌شناسانه و انسان‌شناسانه معادشناختی یک اندیشمند است که با کاربرست آنها در فرایند تحلیل و تبیین آموزه‌های معاد، نظری متفاوت از آنچه دیگران بیان کرده‌اند ارائه می‌کند. از این رو در این کتاب همه مبانی مورد بحث قرار نمی‌گیرد و صرفاً اصول و مبانی معرفت‌شناسانه، جهان‌شناسانه و انسان‌شناسانه مورد مذاقه قرار می‌گیرد. همچنین با توجه به گستردگی مباحث معاد از قبیل میزان، نامه اعمال، احباط و تکفیر و ... پرداختن به همه آنها محتاج نگارش چندین جلد کتاب می‌باشد. از این رو برای رعایت اختصار؛ و نیز انجام تحقیق وافی و جامع که حق مطلب ادا بشود از میان مباحث معاد به بحث حقیقت معاد و حقیقت ثواب و عقاب و حقیقت خلود اکتفا شده است.

در میان آرا و اقوال گوناگون برای جلوگیری از پراکندگی و تشتت، در این کتاب بر مبانی و

نظریات شیخ مجتبی قزوینی از بزرگان مکتب تفکیک، و نظریات تفسیری و فلسفی علامه طباطبایی از اندیشمندان بزرگ در حوزه معارف عقلانی و وحیانی تکیه شده است و علاوه بر تبیین خود مبانی و پیش‌فرض‌ها، در مرحله تأثیر و ارتباط آنها در تبیین حقیقت معاد، ثواب و عقاب و مسأله خلود نیز بر آرا و اقوال این دو اندیشمند تمرکز شده است.

شیخ مجتبی قزوینی و علامه طباطبایی، در آثار قرآنی و غیر آن به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در تبیین مسائل مذکور از پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسانه، جهان‌شناسانه و انسان‌شناسانه بهره برده‌اند. در مواردی که این دو اندیشمند، به کار بست پیش‌فرض‌ها در تبیین مسائل سه‌گانه تصریح کرده‌اند، نقش پژوهشگر در این زمینه تفصیل و توضیح مبنا و ابتنا است؛ و در مواردی که ایشان به ابتنا مسائل فوق بر این پیش‌فرض‌ها تصریح نکرده‌اند پژوهشگر با تکیه بر نظام فکری این دو اندیشمند، به استنباط نحوه تأثیرگذاری این پیش‌فرض‌ها بر حقیقت معاد، ثواب و عقاب و مسأله خلود پرداخته و یا در صدد تعمیق و پی‌جویی کشف ارتباط میان مبنا و ابتنا برآمده است. در این راستا برای دستیابی به یک اندیشه کامل و پخته، همه پیش‌فرض‌های پیدا و پنهان که در زمینه تولید نظریه نسبت به مسائل سه‌گانه ارتباطی نزدیک داشته‌اند مورد بحث و بررسی واقع شده است. علاوه از جمع‌آوری و ترتیب مبانی این دو اندیشمند و تبیین تأثیر آن مبانی بر آموزه‌های مذکور، مقایسه و میزان تطابق آنها با یکدیگر در انتهای هر گفتار مورد بررسی قرار گرفته است.

شایان ذکر است که در این کتاب در هر فصلی ابتدا دیدگاه‌های شیخ مجتبی قزوینی سپس آراء علامه طباطبایی ذیل مسأله حقیقت معاد، ثواب و عقاب مورد بحث قرار گرفته، و در ادامه اشتراکات و امتیازات این دیدگاه‌ها و میزان تطابق آنها با یکدیگر سنجیده شده است. از این رو در کتاب حاضر بعد از بیان مفاهیم و شخصیت‌شناسی پیش‌فرض‌های دخیل در حقیقت معاد، ثواب و عقاب و خلود را از دیدگاه شیخ مجتبی قزوینی و علامه طباطبایی مورد بررسی قرار گرفت، و در ادامه به تأثیر این پیش‌فرض‌ها در مسأله حقیقت معاد، ثواب و عقاب و خلود پرداخته شد. نظر به اینکه رویکرد کتاب با روش تحلیلی تطبیقی نوشته شده است نه به شیوه انتقادی، لذا مشی کتاب بر نقد نظریات شیخ مجتبی و علامه طباطبایی نیست و در این مورد به حداقل نقد اکتفا شده است.

بیان مسأله

مسأله معاد و اعتقاد به حضور در محکمه عدل الهی، از اصول دین مبین اسلام است که عقل سلیم در حقانیت آن شکی به خود راه نمی‌دهد؛ ولی نوع نگرش‌ها به این اصل اعتقادی متفاوت بوده است؛ به‌گونه‌ای که برخی با تکیه بر مبانی خود، با نگاه ماده‌انگارانه به تفسیر حقایق عالم آخرت پرداخته‌اند. در نقطه مقابل آن، برخی دیگر از اندیشمندان با استناد به قرآن و روایات، سنخ حقایق عالم آخرت را در افقی بسیار فراتر از حوادث جهان ماده دانسته و به تفاوت بنیادین میان عالم دنیا و آخرت معتقد شده‌اند. شیخ مجتبی قزوینی از جمله بزرگان مکتب تفکیک بر اساس مبانی آن مکتب به تفسیر آیات قرآن و روایات پرداخته و با این رویکرد به جهان آخرت نگریسته است. از طرف دیگر علامه طباطبایی از بنیان‌گذاران حکمت نوصدرایی با بهره گرفتن از اصول عقلی و نقلی تفسیری دقیق از حقایق عالم آخرت ارائه داده است.

مسأله «ثواب و عقاب» در کنار مسأله «خلود» از جمله ضمانت‌های الهی در جهت ترغیب یا تحذیر انسان‌ها در ارتکاب اعمال خیر یا شر بوده، و از جمله مسائل دقیق و ظریف تفسیری، فلسفی و کلامی است که ریشه در قرآن و روایات دارد. اندیشمندان این حوزه در بیان ماهیت ثواب و عقاب، با مراجعه به آیات قرآن کریم با دو دسته آیات مواجه هستند، برخی از آیات، ثواب و عقاب را از سنخ مسلک مجازات عنوان کرده و برخی دیگر مسلک تجسم اعمال را در بیان حقیقت آن متذکر شده‌اند. به تبع اختلاف موجود در تفسیر ثواب و عقاب، تبیین ماهیت خلود در بهشت و یا جهنم نیز متفاوت خواهد بود.

در بحث حقیقت معاد و همچنین در مسأله ثواب و عقاب و خلود، سؤالات و پرسش‌هایی مطرح است که هر اندیشمندی بسته به مبانی و پیش‌فرض‌های خود نسبت به آنها پاسخگو می‌باشد. در ذیل به برخی از این سؤالات اشاره می‌کنیم:

عالم آخرت چه تناسبی با عالم مادی دارد؟ آیا رتبه وجودی عالم آخرت در طول عالم دنیاست یا در عرض آن؟ معاد انسان‌ها جسمانی است یا روحانی؟ و در صورت جسمانی بودن، آیا بدن اخروی با بدن دنیوی عینیت دارد یا مثلثیت؟

دوگانگی آیات در بیان ماهیت ثواب و عقاب که برخی به مسلک مجازات اشاره داشته، و برخی به تجسم اعمال، چگونه قابل رفع و تفسیر است؟ آیا همه اعمال بر مسلک مجازات جزا داده

می‌شود یا بر مسلک تجسم عمل؟ یا اینکه باید به تفصیل قائل شد؟ اصولاً عذاب آخرت خواه به صورت دائم باشد یا غیر دائم با عدل و رحمت خداوند سازگار است یا نه؟ آیا خلود در عذاب دامنگیر اکثر گنهکاران است یا تعداد کمی از آنها را شامل می‌شود؟

این‌ها برخی از پرسش‌ها و ابهام‌هایی است که درباره مسائل سه‌گانه کتاب مطرح بوده و کتاب حاضر در صدد پاسخ گویی به این سؤالات است و در نظر دارد پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسانه، جهان‌شناسانه و انسان‌شناسه دخیل در این مسائل را با تکیه بر دیدگاه‌های شیخ مجتبی قزوینی و علامه طباطبایی استخراج، و در قالب یک مجموعه مرتب و منطقی ارائه نماید، و در نهایت به اشتراک و امتیازات دیدگاه‌های ایشان در این زمینه بپردازد. البته هم شیخ مجتبی و هم علامه طباطبایی در بیان نظریات خویش در ذیل این سه مسأله، به نحو مجموعی از هر سه پیش‌فرض معرفت‌شناسانه، جهان‌شناسانه و انسان‌شناسانه بهره برده است، نه اینکه پیش‌فرض معرفت‌شناسانه به طور مستقل از سایر پیش‌فرض‌ها، و نیز پیش‌فرض جهان‌شناسانه با غرض نظر از دو پیش‌فرض دیگر تأثیرگذار باشد. از این‌رو ساختار بحث به گونه‌ای تنظیم شده که در مرحله تدوین تبیین حقیقت معاد، ثواب و عقاب و خلود تأثیرگذاری آنها به نحو مجموعی مورد بررسی قرار گیرد.

پیشینه کتاب

پیامبران در بستر تاریخ، زمینه‌های بی‌شماری برای معادباوری گسترانده‌اند، و فهم و تبیین حیات اخروی و نظام حاکم بر آن نیز، از دیرباز دغدغه‌های اندیشمندان پرشماری چون افلاطون، ابن سینا، شیخ اشراق، علامه حلی و ملاصدرا بوده است. در این راستا کاوش‌ها و کوشش‌های فراوانی صورت پذیرفته و با تأمل در آیات معاد توفیقات درخور توجهی به دست آمده است. در این میان علامه طباطبایی با بهره‌مندی از رهاورد پیشینیان و با کاوشی ژرف و فراگیر، تفسیری جامع و خردپذیر از حقیقت معاد و جزئیات آن ارائه کرده است. شیخ مجتبی قزوینی نیز از بزرگان مکتب تفکیک آثاری را در این زمینه به رشته تحریر درآورده است.

بررسی پژوهش‌های صورت گرفته ذیل حوزه فکری این دو اندیشمند نشان می‌دهد که تألیفات متعددی در قالب کتاب و پایان‌نامه به رشته تحریر در آمده که برخی از این کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها در معرفی، تبیین، نقد مکتب تفکیک و بزرگان این مکتب و یا در راستای تطبیق دیدگاه‌های این

مکتب با مکاتب دیگر - مثل حکمت متعالیه ملاصدرا و اشاعره - نوشته شده است. همچنین در برخی دیگر از پایان نامه‌ها به بررسی تطبیقی شیخ مجتبی و علامه طباطبایی در مسأله‌ای خاص از قبیل معاد جسمانی و فطرت یا در مورد مبانی انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی پرداخته شده است. برخی دیگر از این آثار به نحو استقلالی - نه بررسی تطبیقی - به بیان معرفی دیدگاه‌های هر یک از ایشان درباره معاد یا معاد جسمانی، یا در نقد دیدگاه‌های آن‌ها به رشته تحریر در آمده است؛ البته در بیان نقد یا معرفی دیدگاه هریک از آن‌ها، به مبانی و پیش‌فرض‌ها و روش پژوهش آن‌ها نیز تصریح یا اشاره شده است.

بررسی تطبیقی پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسانه، جهان‌شناسانه و انسان‌شناسانه معادشناسی این دو شخصیت، و کاربست آن‌ها در مسائل مورد بحث در این کتاب، موضوعی است که جای خالی آن در میان آثار و تألیفات انجام یافته محسوس بود و امید است انجام این کتاب حلقه اتصال میان آن‌ها را فراهم بیاورد. در ذیل برخی از آثار صورت گرفته - در قالب کتاب یا پایان نامه و مقاله - را که قرابت محتوایی بیشتری با موضوع این کتاب دارد بیان کرده و اشتراک و امتیاز آن‌ها با کتاب مذکور بررسی می‌شود.

کتاب‌ها

۱. میرزا جواد تهرانی در کتاب «میزان المطالب»^۱ که از چهار باب تشکیل شده و باب چهارم آن به معادشناسی اختصاص یافته است در تدوین مباحث معاد همانند شیخ مجتبی، اصولی را به عنوان پیش‌فرض بیان نموده و در ادامه به کیفیت و چگونگی معاد پرداخته است و اسلوبی همانند کتاب **بیان الفرقان** شیخ مجتبی دارد. اگرچه این کتاب مستقیماً به آراء شیخ مجتبی نظر نداشته است، ولی برای توضیح بیشتر برخی از مطالب موجود در کتاب «بیان الفرقان» می‌توان به کتاب فوق مراجعه کرد.

۲. کتاب «نقد و بررسی نظریه تفکیک»^۲ از جمله آثاری است که مؤلف در فصول ابتدایی کتاب، مبانی معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، نفس‌شناسی مکتب تفکیک را بیان کرده و در ادامه به

۱. تهرانی، جواد، **میزان المطالب**، قم، موسسه در راه حق، چاپ ۴، ۱۳۷۴.

۲. ارشادی‌نیا، محمد رضا، **نقد و بررسی نظریه تفکیک**، قم بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۲.

بررسی قرائت بزرگان تفکیک از مبدأ و معاد پرداخته است. در همین راستا برخی دیدگاه‌های شیخ مجتبی نیز از نظر خواننده گذشته است، ولی به بررسی جزئی دیدگاه شیخ مجتبی چه در حوزه مبانی و چه در بحث تأثیر این پیش‌فرض‌ها در مسأله معاد پرداخت نشده است، البته نظر به اینکه دیدگاه بزرگان اولیه مکتب تفکیک بسیار هم افق بوده و نظریات مشترک زیادی دارند، کتاب مزبور این مزیت را دارد که ابهامات موجود در اندیشه هریک از بزرگان را با استناد به نظریات دیگر شخصیت‌های این مکتب رفع کرده است. و از این جهت مسیر پژوهش را برای محققان عرصه مکتب تفکیک، هموار و آسان نموده است. کتاب دیگری از همین مؤلف با رویکرد انتقادی به مکتب تفکیک با عنوان «مدرسه معارف تا انجمن حجتیه و مکتب تفکیک»^۱ با محتوایی شبیه کتاب فوق به رشته تحریر درآمده است.

۳. محمدرضا حکیمی در کتاب «معاد جسمانی در حکمت متعالیه»^۲ به روش‌شناسی مکتب تفکیک در بحث معاد جسمانی و تفاوت بنیادین این مکتب با حکمت متعالیه پرداخته است. ایشان در این کتاب با اثبات ناتوانی عقل در درک معاد جسمانی، اصول یازده‌گانه ملاصدرا را نقد می‌کند؛ وی خروجی آن اصول را معاد روحانی، و مباین با صریح اخبار معتبر قلمداد می‌کند. مؤلف به نظریات شیخ مجتبی اشاره مختصری داشته و از ورود تفصیلی نسبت به بیان مبانی و کاریست آنها در بحث معاد اجتناب ورزیده است.

ایشان همچنین آثار متعددی در تبیین معرفت شناختی مکتب تفکیک و نقد مبانی فلسفی به نگارش درآورده‌اند که در میان آنها دیدگاه‌های شیخ مجتبی نیز قابل دسترسی است، که از جمله این آثار می‌توان به کتاب «الهیات الهی و الهیات بشری»^۳ اشاره کرد.

۴. در زمینه نقد قرائت تفکیکی نوشته‌ای است که رضا آذریان با عنوان «بازخوانی معاد جسمانی صدرائی: نقد قرائت تفکیکی از معاد جسمانی» به رشته تحریر درآورده است. نویسنده در این کتاب تلاش کرده ادعا، ادله و شواهد برخی از معتقدین به مکتب تفکیک مبنی بر تفکیکی بودن فارابی، ابن سینا، خواجه نصیرالدین طوسی و ملاصدرا در معاد جسمانی را مورد

۱. همو، *مدرسه معارف تا انجمن حجتیه و مکتب تفکیک*، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۶.

۲. حکیمی، محمد رضا، *معاد جسمانی در حکمت متعالیه*، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۶.

۳. همو، *الهیات الهی و الهیات بشری*، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۸.

ارزیابی قرار داده و مدعی ایشان را با ترازوی نقد و ارائه مستندات، بررسی نماید.

۵. در میان کتاب‌هایی که در تبیین معاد و مسائل پیرامون آن از دیدگاه علامه طباطبایی نوشته شده، و به لحاظ محتوایی به موضوع این کتاب نزدیک است اثری است که مسعود تاج‌آبادی با عنوان «معادشناسی با تأکید بر اندیشه‌های قرآنی علامه طباطبایی»^۱ با رویکرد توصیفی و تحلیلی و با بن‌مایه‌های فلسفی نوشته است. نگارنده سعی کرده است به بسط و توضیح دیدگاه علامه طباطبایی در مباحث مختلف معاد از قبیل موضوع حقیقت مرگ و حیات برزخی، گستره معاد نسبت به انسان، ملائکه، حیوانات و جمادات، ماهیت بدن اخروی انسان، دریافت نامه عمل، کاوش و ارزیابی رابطه جزا و پاداش اخروی با اعمال انسان و... بپردازد. دغدغه ایشان در این کتاب مقایسه دیدگاه علامه طباطبایی در موضوعات مذکور با دیدگاه سایر مفسران و فلاسفه، و اثبات اینکه دیدگاه علامه به لحاظ مبانی قوی و قویم ایشان در تفسیر آیات معادشناسی، بسی عمیق‌تر و منسجم‌تر و هماهنگ‌تر از سایرین می‌باشد. ایشان در این کتاب به طور پراکنده برخی از مبانی جهان‌شناسانه و انسان‌شناسانه علامه را مورد توجه قرار داده، و از دیگر پیش‌فرض‌ها از جمله پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسانه دخیل در این موضوع سخنی به میان نیاورده یا به بیان اجمالی آن‌ها اکتفا کرده است.

مقالات

در میان مقالات نیز می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد:

۱. «مسأله خلود در عذاب و دیدگاه علامه طباطبایی»؛^۲ مولف علاوه بر تبیین دیدگاه علامه طباطبایی پیرامون مسأله خلود، اشکالات مطرح شده از جانب ملاصدرا درباره جاودانگی عذاب، و پاسخ علامه به این اشکالات را مورد بحث و بررسی قرار داده است. این مقاله صرفاً به برخی از مبانی علامه و تأثیر آنها در مسأله خلود ورود کرده و جامعیت و پختگی لازم را که با بیان دیگر پیش‌فرض‌ها و کاربرست آن‌ها به دست می‌آید، ندارد.

۱. تاج‌آبادی، مسعود، معادشناسی با تأکید بر اندیشه‌های قرآنی علامه طباطبایی، قم، انتشارات جامعه الزهراء، چاپ اول، ۱۳۹۶.

۲. بهشتی، احمد، مسأله خلود در عذاب و دیدگاه علامه طباطبایی، پژوهش دینی، ش ۱۱، پاییز، ۱۳۸۴.

۲. «بررسی تحلیلی رابطه عقل و وحی از دیدگاه علامه طباطبایی و مکتب تفکیک»، این مقاله در صدد تبیین سازگاری یا ناسازگاری عقل و وحی و بیان قلمرو عقل، با شیوه مقایسه‌ای میان علامه طباطبایی و مکتب تفکیک برآمده، و اختصاصی به موضوع معاد ندارد.

۳. «معاد جسمانی از نگاه علامه طباطبایی»، مقاله‌ای است که به بیان دیدگاه علامه راجع به موضوع معاد جسمانی و عینیت بدن آخری با بدن دنیوی در تفسیر المیزان و کتاب الانسان بعد الدنيا پرداخته است. بیان مبانی و تأثیر آنها در بحث عینیت یا مثلثیت بدن دنیوی با آخری از بحث این مقاله خارج است.

۴. «ادله اثبات نظریه تجسم اعمال و تبیین کارکردهای آن از دیدگاه علامه طباطبایی»، این مقاله در تبیین نظریه علامه پیرامون تجسم اعمال، بدون اشاره به مبانی و اصول انسان‌شناسانه و جهان‌شناسانه دخیل در این نظریه، صرفاً به بیان ادله عقلی و نقلی علامه در اثبات آن اکتفا کرده است. مولف مقاله اثبات عدالت و نفی ظلم در جزای عمل، لزوم عذاب و خلود در جهنم و پاسخ به شبهات مسأله مسخ را از جمله کارکردهای نظریه تجسم اعمال دانسته است.

اکثر این مقالات در مقام مقایسه با کتاب حاضر این تفاوت را دارند که هرکدام به نوعی در صدد تبیین و تحلیل بخشی جزئی از موضوعات این کتاب برآمده‌اند ولی کاربست مبانی در تبیین حقیقت معاد و مسائل پیرامون آن در این آثار پژوهشی بررسی نشده است.

پایان نامه‌ها

برخی از پایان‌نامه که در این زمینه نوشته شده عبارتند از:

۱. «بررسی آراء کلامی شیخ مجتبی قزوینی و مقایسه آن با آراء علامه طباطبایی»، این

۱. بیدگلی، نعیمه، *بررسی تحلیلی رابطه عقل و وحی از دیدگاه علامه طباطبایی و مکتب تفکیک*، طلوع، ش ۲۸، تابستان ۱۳۸۸.

۲. الله بداشتی، علی، *معاد جسمانی از نگاه علامه طباطبایی*، اندیشه علامه طباطبایی، ش ۲، تابستان ۱۳۹۴.

۳. نیلساز، نصرت وکولوند، ناصر، *ادله اثبات نظریه تجسم اعمال و تبیین کارکردهای آن از دیدگاه علامه طباطبایی*، معرفت کلامی، ش ۹۶، پاییز ۱۳۹۶.

۴. محزونیه، علی، *بررسی آراء کلامی شیخ مجتبی قزوینی و مقایسه آن با آراء علامه طباطبایی*، دانشگاه اصفهان، تابستان، ۱۳۹۲.

پایان‌نامه جنبه توصیفی داشته و صرفاً به مقایسه دیدگاه این دو اندیشمند در حوزه مباحث خدانشناسی، پیامبرشناسی و معادشناسی پرداخته است. در این پایان‌نامه برخی از مبانی شیخ مجتبی و علامه طباطبایی بیان شده، ولی در تأثیر این مبانی در حوزه‌های فوق بحثی به میان نیامده است.

۲. «معاد جسمانی از منظر ابن سینا و غزالی و علامه طباطبایی»^۱ محتوای این پایان‌نامه، تطبیق دیدگاه‌های ابن سینا و غزالی و علامه پیرامون معاد جسمانی است. این پایان‌نامه فارغ از مبانی معرفت‌شناسانه، جهان‌شناسانه و انسان‌شناسانه تأثیرگذار در موضوع معاد جسمانی است.

۳. «معاد جسمانی از منظر علامه طباطبایی»^۲ بیان پیش‌فرض‌های علامه و تأثیرات آن در مسأله معاد جسمانی خارج از بحث این پایان‌نامه است.

در یک جمع‌بندی کلی باید گفت آنچه این کتاب را از سایر کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌هایی که در پیشینه مطرح شد متمایز می‌کند این است در میان آثار مطرح شده اثر قابل توجهی که به بیان پیش‌فرض‌های دخیل در مباحث معاد شناختی شیخ مجتبی و علامه طباطبایی و تأثیرات آنها در مسائل حقیقت معاد، ثواب و عقاب و خلود پرداخته باشد وجود ندارد و اگر این شیوه بحث در برخی آثار مذکور مراعات شده اولاً به یکی از دو شخصیت این کتاب اختصاص یافته، و ثانیاً در همان شخصیت مورد بحث همه پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسانه، جهان‌شناسانه و انسان‌شناسانه تأثیرگذار در مسائل سه‌گانه ذکر نشده است. ایجاد حلقه وصل میان مبانی و تأثیر آنها در مباحث معاد که جای خالی آن در میان آثار نوشته شده مشهود بود، تلاشی است که این کتاب در صد انجام آن است.

مفاهیم

قبل از ورود به مباحث اصلی کتاب به تبیین برخی از واژه‌های پرکاربرد که نقش اساسی و محوری در این کتاب دارند، پرداخته شده است.

پیش‌فرض

۱. فرساد دوست، عادل، *معاد جسمانی از منظر ابن سینا و غزالی و علامه طباطبایی*، حوزه علمیه قم، ۱۳۹۴.

۲. فتحی، فرهاد، *معاد جسمانی از منظر علامه طباطبایی*، حوزه علمیه قم، ۱۳۹۶.

در آثار مکتوب شیخ مجتبی قزوینی و علامه طباطبایی واژه «پیش فرض» مطرح نشده است و در این نوشتار ناظر به اصطلاح خاصی نیست؛ بلکه مراد از آن مبادی تصویری و مبادی تصدیقیه است که شامل اصول موضوعه و اصول متعارف^۱ کلامی و فلسفی بوده و مسائل سه گانه مذکور در این کتاب بر آن مبادی و اصول استوار است. حال با این اصطلاح پیش فرض مد نظر در این رساله، ضرورتی ندارد که پیش فرض‌های ذکر شده همواره از قسم اصول موضوعه - مثل اولیات - باشد بلکه ممکن است از قسم اصول متعارف باشد. همچنانکه امکان دارد قضیه‌ای که به عنوان یک اصل قطعی توسط یک اندیشمند تلقی می‌شود، عینا توسط اندیشمند دیگری به عنوان یک اصل ظنی و غیر قطعی تلقی گردد.

پیش فرض‌های یک نظریه گاه پیش فرضی ضروری هستند، به گونه‌ای که آن نظریه بدون تکیه بر آن پیش فرض امکان استحکام و استقامت ندارد و برای برپا داشتن آن نظریه حتما باید آن پیش فرض‌ها را اقامه کرد. اما گاه این پیش فرض‌ها به گونه‌ای است که آن نظریه بدون تکیه بر این پیش فرض‌ها نیز سرپا و استوار است؛ ولی استناد به این پیش فرض‌ها استواری و استقرار آن را بیش تر و مستحکم تر می‌کند.

پیش فرض‌های بررسی شده در این کتاب از هر دو دسته‌اند؛ برخی از آن‌ها جزء پیش فرض‌های ضروری هستند؛ و برخی دیگر به یک عنوان یک پیش فرض غیر ضروری در جهت صلابت و استحکام یک نظریه بیان شده‌اند.

پیش فرض‌ها و مبانی علمی یک نظریه را با تقسیمی دیگر می‌توان به دو دسته «پیش فرض‌های نزدیک» و «پیش فرض‌های دور» تقسیم کرد. منظور از پیش فرض‌های نزدیک آن دسته از پیش فرض‌هایی هستند که ارتباطی نزدیک تر و روشن تر با نظریه مورد بحث دارد. و منظور از پیش فرض‌های دور، دسته‌ای دیگر از مبانی هستند که با نظریه مورد بحث ارتباط مستقیم و نزدیک ندارد، بلکه با واسطه اصول و مبانی و قواعد دیگر با آن مرتبط است و آن را پشتیبانی می‌کند. برای پرهیز از اطاله کلام در این کتاب تنها به پیش فرض نزدیک توجه شده و از پرداختن به پیش فرض‌های دور پرهیز شده است.

برای نمونه مبانی «اصالت الوجود» در فلسفه صدرایی پیش فرضی است که سایر مسائل

۱. توضیح بیشتر ر.ک: مطهری، مجموعه آثار، ج ۶، ص ۴۷۵.

حکمت متعالیه از جمله مسأله وحدت وجود بر آن متفرع است، ولی چون در این نوشته ارتباط مستقیم و نزدیکی با مسأله حقیقت معاد و همچنین ثواب و عقاب و خلود از دیدگاه علامه طباطبایی ندارد به عنوان یک پیش‌فرض از بیان آن اجتناب شده است، در مقابل، اصل وحدت وجود از آنجا که از جمله پیش‌فرض‌های ضروری در دیدگاه ایشان بوده و ارتباط نزدیک در تبیین حقیقت معاد دارد، از جمله پیش‌فرض‌های وی در این بحث بیان شده است.

معرفت‌شناسانه

دانش معرفت‌شناسی و یا نظریه المعرفة و در اصطلاح لاتینی اپیستمولوژی،^۱ با تعاریفات گوناگونی از جمله: شناخت ابزار تفکر،^۲ دانش موجه سازی باور،^۳ مطرح شده است. توجه به نکات ذیل ما را به تعریف دقیق‌تری از اصطلاح معرفت‌شناسی نزدیک می‌سازد. معرفت‌شناسی از شاخه‌های فلسفه معرفت شمرده می‌شود؛ شاخه دیگر آن را هستی‌شناسی علم تشکیل می‌دهد. ملاک و معیار تمایز معرفت‌شناسی از هستی‌شناسی علم، توجه به مجموعه مسائل و پرسش‌های مطرح شده در فلسفه معرفت می‌باشد، در صورتی سؤالات به حیث حکایتگری معرفت ناظر باشد مسأله معرفت‌شناسی است، اما اگر پرسش‌ها به جنبه عینی علم و روابط آن با دیگر امور ناظر باشد مسأله هستی‌شناختی علم است. پرسش‌هایی از این قبیل که: معرفت در چه شرایطی حکایتگر است؟ گونه‌های معرفت چه مرتبه‌ای از هستی را حکایت می‌کند؟ چه سطوحی از هستی برای انسان قابل شناخت است؟ منابع و ابزار دستیابی به این معرفت حقیقی چیست؟^۴ و پرسش‌هایی از این سنخ که جنبه حکایتگری علم را موشکافی می‌کنند زمینه را برای تعریف معرفت‌شناسی نزدیک می‌سازند.

اما سؤالاتی از این قبیل که علم از سنخ کدام مقوله است؟ آیا اضافه محض است؟ یا از حقیقتی فی نفسه برخوردار است؟ و دیگر سؤالات که به جنبه‌های عینی علم ارتباط دارند مقدمات فهم

۱. این علم با نام *cognostology* معروف بود، سپس واژه *Epistemology* جایگزین آن شد و اخیراً نیز اصطلاح

Theory of Knowledge رواج یافته است. خسرو پناه، *فلسفه‌های مضاف*، ج ۲، ص ۳۱۲.

۲. سبحانی، *شناخت در فلسفه اسلامی*، ص ۳.

۳. ر.ک: خسرو پناه، *فلسفه‌های مضاف* ج ۲، ص ۳۱۲.

۴. خسرو پناه و عاشوری، *تحلیل معرفت*، ص ۳۰.

هستی‌شناسی علم را فراهم ساخته‌اند.^۱

با این مقدمه، در تعریف معرفت‌شناسی می‌توان گفت که شاخه‌ای از فلسفه معرفت بوده که ناظر به حثیت حکایتگری علم و تطابق آن با واقع می‌باشد.^۲

در یک تقسیم معرفت‌شناسی دو گونه است: عام و خاص. موضوع و محور در معرفت‌شناسی عام، معرفت بشری به نحو عام است و به معرفت دینی، علمی و یا عرفانی نظر ندارد. اما موضوع معرفت‌شناسی خاص، معرفت در حوزه‌ای خاص مانند معرفت دینی است و بر اساس همان موضوع هم نامگذاری می‌شود مانند معرفت‌شناسی دینی، معرفت‌شناسی علوم اجتماعی.

جهان‌شناسانه

جهان‌شناسی برداشت و طرز تفکری است که یک فرد یا مکتب درباره جهان و هستی عرضه می‌دارد. آگاهی و معرفت از جهان هستی، بسته به اینکه به از منبع تجربه، فلسفه و یا دین الهام گرفته شده باشد به سه نوع جهان‌شناسی علمی (تجربی)، جهان‌شناسی فلسفی و جهان‌شناسی دینی تقسیم می‌گردد.^۴

جهان‌شناسی تجربی، بر دو عامل فرضیه و آزمون وابسته است، نقص این نوع جهان‌شناسی این است که چون دامنه علوم تجربی به آزمون محدود است از این رو درباره مسائلی مانند جهان از کجا آمده است؟ به کجا می‌رود؟ جهان حق است یا گزاف، که تحت آزمون در نمی‌آیند، قدرت پاسخگوئی ندارد.^۵ جهان‌شناسی علمی به حکم اینکه جزءشناسی است نه کل‌شناسی، از ارائه قیافه و چهره کل جهان ناتوان است.^۶

جهان‌شناسی فلسفی از آن نظر که متکی به یک سلسله «اصول» است و آن «اصول» اولاً بدیهی هستند و از ارزش نظری مطلق برخوردارند و ثانیاً عمومیت دارند و به اصطلاح از احکام

۱. همان.

۲. حسین زاده، در آمدی بر معرفت‌شناسی و مبانی معرفت دینی، ص ۲۰.

۳. مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۲۷.

۴. همان.

۵. ر.ک: مصباح یزدی، آموزش عقاید، ص ۵۵.

۶. مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۳۰.